

## چار ضرب

۱۳۷۶ ش ب؛ نقشه تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران، مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰، تهران: سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۳ ش؛ Vladimir Minorsky, "Roman and Byzantine campaigns in Atropatene", *BSO*[4]S, XI (1943-1946).  
/ معصومه بادنج /

نام شهرستان چاروایماق از دو واژه چار (چهار) و اویماق (به معنای طایفه و قبیله) ترکیب شده است (خامی، ص ۳۰۶).  
قره‌آغاج، مرکز شهرستان چاروایماق در ارتفاع حدود ۱۹۲۰ متری و در شصت کیلومتری جنوب شهر هشتگرد واقع است. کوه داش‌بلاغی در جنوب شرقی آن قرار دارد (جعفری، ج ۲، ص ۳۲۷، ۳۲۹).

## چارجوی ← آمل (۲)

## چارچار ← چله

## چارده کلاته ← هزار جریب

## چارسو ← بازار

**چارضرب** (چهارضرب)، از آداب قلندریه\*، به معنای تراشیدن موهای سر، ریش، سبیل و ابروان.

از دیرباز تاکنون، نزد اقوام گوناگون، گاه تراشیدن موهای سر و صورت و گاه بلند کردن آنها، نشانه سوکواری یا زهد بوده است (لسان، ص ۹۷-۹۹). نزد مسلمانان، بریدن موهای پیشانی یا تراشیدن سر، از آداب توبه\* بود (مولوی، ۱۳۳۶-۱۳۴۵ ش، ج ۷، تعلیقات فروزانفر، ص ۵۶۴-۵۶۵). به گفته ابن سبیر، سیاح قرن ششم (ص ۲۲۳-۲۴۵)، مردم در مجلس وعظ صدرالدین محمدبن عبداللطیف حُجَندی (پیشوای شافعیان اصفهان، متوفی ۵۷۲) در مدینه، با شنیدن موعظه‌های او دگرگون می‌شدند و توبه می‌کردند و او با قیچی موهای پیشانی آنان را می‌تَرید. وی (ص ۲۶۹-۲۷۰) همین موضوع را در وصف مجلس موعظه رضی‌الدین قزوینی (متوفی ۵۹۰) در بغداد نیز آورده است. به نوشته ابن بطوطه (ج ۱، ص ۴۳۱)، علاءالدین نیلی، یکی از دانشمندان پارسای هند در قرن هشتم، روزهای جمعه موعظه می‌کرد و بسیاری به دست او توبه می‌کردند و او موی سر آنان را می‌تراشید.

پیران صوفیه نیز در آغاز تشریف‌مردان به تصوف، که همراه با توبه کردن بود، موی از پیشانی آنان برمی‌گرفتند (محمودبن عثمان، ص ۲۳-۲۴، که توضیح می‌دهد امین‌الدین بلیانی (متوفی ۷۴۵) با چه آداب و دعاهایی موی از پیشانی‌مردان برمی‌گرفت) و سر آنان را می‌تراشیدند (مناقب اوحیدالدین حامدبن ابی‌الفخر کرمانی، ص ۳۷، ۱۶۰؛ قس محمدبن منور، بخش ۱، ص ۲۳۲)، چنان‌که در افتخارات احمد جام\* زنده‌پیل گفته‌اند که بیش از ده جوال مو برید (جعفری، ص ۶). تراشیدن سر از شرایط صوفی شدن و سنت صوفیان بود

این شهر قدمت چندانی ندارد و به نام رودی که در نزدیکی آن جاری است، قره‌آغاج نامیده می‌شود (فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۱۴، ص ۳۰۸). در دوره پهلوی دوم مرکز بخشی به همین نام بود (رزم‌آرا، ج ۴، ص ۳۵۵). توسعه محلات آن از دهه ۱۳۵۰ ش به بعد آغاز شد (فرهنگ جغرافیایی آبادیها، همانجا). در فروردین ۱۳۷۳ قره‌آغاج به شهر تبدیل شد (ایران، قوانین و احکام، ص ۹۱۳-۹۱۴).

دوشنبه‌بازار قره‌آغاج و بازار مکاره آن در ناحیه مورد توجه (خامی، ص ۳۰۸) و شهر به سمت مشرق در حال گسترش است (فرهنگ جغرافیایی آبادیها، همانجا).

منابع: اسناد معادن ایران (۱۳۰۰-۱۳۳۲ ه.ش)، به کوشش مهشید لطیفی‌نیا، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶ ش؛ اطلس راههای ایران، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۶۹ ش؛ ایران، قوانین و احکام، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲، تهران: روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳ ش؛ ایران، وزارت کشور، تقسیمات کشوری شاهنشاهی ایران، تهران ۱۳۵۵ ش؛ ایران، وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت‌احوال، کتاب اسامی دهات کشور، ج ۱، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران، وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری، اسامی عناصر و واحدهای تقسیماتی (همراه با مراکز)، تهران ۱۳۷۹ ش؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس عناصر تقسیماتی به همراه شماره مصوبات آن، تهران ۱۳۸۲ ش؛ همو، نشریه عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری [تا پایان آبان ۱۳۸۴]، تهران ۱۳۸۴ ش؛ عباس جعفری، گیتاشناسی ایران، تهران ۱۳۶۸-۱۳۷۹ ش؛ بهروز خامی، فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ رزم‌آرا؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۴، میانه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۶ ش؛ ولقرام کلایس، گزارش سفرهای باستانشناسی سال ۱۹۷۱ در ایران، در گزارشهای باستانشناسی در ایران، تألیف و تدوین هیئت باستانشناسان آلمانی، ترجمه سروش حبیبی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴ ش؛ محمدعلی مخلصی، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷: جمعیت عشایری دهستانها، کل کشور، تهران ۱۳۷۸ ش؛ همو، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵: شناسنامه دهستانهای کشور، استان آذربایجان شرقی، تهران ۱۳۷۶ ش الف؛ همو، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵: نتایج تفصیلی کل کشور، تهران